

## مرور اخبار

### جامعه ارمنی

در هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی گورک وارتان و روبرت بگلریان به عنوان نمایندگان ارمنیان تهران-شمال و جنوب ایران به مجلس راه یافتند.

### ایران

#### قرارداد انتقال گاز ایران به ارمنستان در آینده نزدیک به

##### امضا می رسد

گروه اقتصادی: با وجود اینکه بیش از ده سال از طرح انتقال گاز ایران به ارمنستان می گذرد هنوز اقدام عملی برای تحقق این طرح صورت نگرفته است. در آخرین موضعگیری، وزیر انرژی ارمنستان در گفتگو با خبرنگاران از امضای قرارداد اجرایی این طرح در دو ماه آینده خبر داده است.

ارمن موسسیان با اشاره به اینکه ایران و ارمنستان سال گذشته در مورد ساخت این خط لوله با شرایط مناسب برای هر دو کشور توافق کردند، افزود: قرارداد اجرایی این طرح در سفر وزیر نفت ایران به ارمنستان به امضا می رسد.

پیش از این مخالفت روسیه با اجرای این طرح و تلاش این کشور برای صادرات بیشتر گاز به ارمنستان علت تاخیر در امضای قرارداد اجرایی این طرح اعلام شده بود. اما بوریس یوشین معاون نخست وزیر روسیه چند روز پیش در سفر به ایروان اعلام کرد: مسکو از ساخت خط لوله گاز ایران به ارمنستان حمایت می کند. علاوه بر روسیه، کشورهای اتحادیه اروپا، چین، ترکمنستان و اوکراین نیز حمایت خود را از این طرح اعلام کرده اند.

گفته می شود اختلاف نظر دو کشور پیرامون ماهیت قرارداد، قیمت گاز صادراتی، چگونگی پرداخت قیمت گاز خریداری شده و همچنین ضمانت آن از دلایل عمده تاخیر در اجرای قراردادهای انتقال گاز به کشورهای قفقاز بویژه ارمنستان است که به نظر می رسد با رونق بازارهای گاز در منطقه و جدیت و هماهنگی مقامهای وزارت امور خارجه و نفت کشورمان ساز و کارهای لازم برای حل این مشکلات فراهم شود. طول خط لوله گاز ایران و ارمنستان ۱۴۱ کیلومتر است که ۱۰۰ کیلومتر آن در خاک ایران و ۴۱ کیلومتر آن در خاک ارمنستان است. هزینه ساخت این خط لوله ۱۲۰ میلیون دلار پیش بینی می شود

### ارمنستان

#### تلگراف تسلیت رئیس جمهور ارمنستان خطاب به سید

##### محمد خاتمی

رئیس جمهور روبرت کوچاریان در رابطه با حادثه قطار که در استان خراسان جمهوری اسلامی ایران رخ داده تلگراف تسلیتی برای رئیس جمهور اسلامی ایران آقای سید محمد خاتمی ارسال نموده است.

در این تلگراف قید شده است: "با اندوهی عمیق پیرامون سانحه قطار که در استان خراسان جمهوری اسلامی ایران رخ داده و منجر به تعداد کثیری تلفات جانی انسانها شده است، اطلاع یافتم.

از سوی ملت ارمنستان و شخص اینجانب خدمت شما و ملت دوست ایران تسلیت گفته و با بستگان قربانیان ابراز همدردی می نمایم."

دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری، ها پوتس آشنخار ۱/۱۲/۸۲

#### کمکهای نابرابر آمریکا به ارمنستان و آذربایجان

گریس نماینده کنگره آمریکا تصمیم گرفته است در کمیسیون روابط خارجی کاخ نمایندگان کنگره آمریکا که وزیر امور خارجه نیز شرکت خواهد داشت، قبل از بررسی های مربوط به بودجه، کتباً از کولین پاول توضیحاتی پیرامون این موضوع درخواست نماید که به چه علت نظام بوش در سال آینده برای آذربایجان ۸ میلیون ۷۵۰ هزار دلار اما برای ارمنستان ۲ میلیون ۷۵۰ هزار دلار کمک های نظامی پیشنهاد نموده است. قابل ذکر است که بین نظام رئیس جمهور بوش و کنگره توافقاتی پیرامون اختصاص دادن کمک های نظامی بطور برابری به ارمنستان و آذربایجان بدست آمده است. نماینده کنگره خاطر نشان می سازد که آیا پیشنهاد نظام بوش برخلاف توافقی که قبلاً بدست آمده، نمی باشد.

در هفته گذشته مجمع ارمنی آمریکا نامه هایی خطاب به نمایندگان کنگره آمریکا که در امور مسئله ارمنی فعالیت دارند و همچنین ۳۰ سناتور ارسال نموده و توصیه کرده است که نابرابری کمک هایی که نظام بوش برای آذربایجان و ارمنستان در نظر گرفته است، اصلاح گردد.

شبکه سراسری تلویزیون ۲۷/۱۱/۸۲

#### قتل ننگ آمیز افسر ارمنی در مجارستان

ستوان رامیل صفراف بصورت ننگ آوری ستوان گورگن مارکاریان ۲۶ ساله را که در خواب بوده با ضربات تبر به قتل رسانده است. سوء قصد به جان یک افسر دیگر ارمنی نیز انجام شده که خوشبختانه از آن جلوگیری بعمل آمده است. طی روزهای اخیر نظامیان ارمنی و آذربایجانی در دانشگاه دفاع ملی مجارستان دوره های آموزش زبان انگلیسی را که بوسیله برنامه مشارکت برای صلح ناتو سازمان یافته می گذرانند. ستوان گورگن مارکاریان باید حدود یک ماه دیگر به میهن بازگشته و برای ادامه تحصیلات عازم ایالات متحده آمریکا می شد. در وزارت دفاع جمهوری ارمنستان وی را یکی از بهترین افسران و دارای پیشرفت در آینده بحساب می آوردند. وزارت دفاع ارمنستان این قتل وحشیانه را بعنوان عواقب مستقیم تشدید تبلیغات جنگ طلبانه و سیاست افکندن بذر تنفر در قبال ملت ارمنی می داند. وزارت امور خارجه جمهوری ارمنستان نیز این عمل را شدیداً محکوم نموده و اعلام داشته که نمایندگان سفارت ارمنستان در وین جهت روشن نمودن جزئیات جنایت در بوداپست بسر می برند. وزارت دفاع مجارستان از ابراز هرگونه تفسیری در خصوص قتل افسر ارمنی خودداری نموده است. وی این کلمات را به ایستگاه رادیو "آزادی" بیان داشته است: "ما جنایت را تفسیر نمی کنیم حتی اگر در آنها افسران مجاری نیز قربانی یا شرکت داشته باشند."

شبکه سراسری تلویزیون ۳۰/۱۱/۸۲

#### قتل گورگن مارکاریان در مجارستان

نمایندگان دفاعی مجارستان اعلامیه ای مبنی بر قتل گورگن مارکاریان صادر نموده اند. در بوداپست اعلام شده است که اگر قتلی که ستوان یک

روبرت پشچل نماینده ناتو در پاسخ به این سؤال که آیا پیمان آتلانتیک شمالی مسأله تغییر محل برگزاری مانور را مد نظر قرار خواهد داد، گفت: "من در حال حاضر از برنامه تغییر محل یا موعد برگزاری مانور مطلع نیستم. ولی این مسأله می تواند در طی کنفرانسهای برنامه ریزی مطرح شود."

رادیو آزادی ۸۲/۱۲/۰۲

## امثال و حکم

مطالب این بخش از کتاب "ریشه های تاریخی امثال و حکم" تألیف زنده یاد مهدی پرتوی آملی گرفته شده است.

### از خجالت آب شد

آدمی را وقتی خجلت و شرمساری دست دهد، بدنش گرم می شود و گونه هایش سرخی می گیرد. خلاصه عرق شرمساری که ناشی از شدت و حدت گرمی و حرارت است از مسامات بدنش جاری می گردد. عبارت بالا گویان آن مرتبه از شرمندگی و سرشکستگی است که خجلت زده را یارای سربلند کردن نباشد و از فرط انفعال و سرافکنندگی سر تا پا خیس عرق شود و زبانش بند آید. اما فعل "آب شدن" که در این عبارت به کار رفته ریشه تاریخی دارد و همان ریشه و واقعه تاریخی موجب گردیده که به صورت ضرب المثل در آید:

بایزید بسطامی و یا بگفته شیخ فریدالدین عطار: «آن سلطان العارفين، آن برهان المحققين، آن پخته جهان ناکامی، شیخ وقت ابویزید بسطامی رحمه الله علیه» در شهر بسطام و در خاندانی زاهد و پرهیزگار دیده به جهان گشود. در بدایت حال روزی قرآن تلاوت می کرد، به سوره لقمان و این آیه رسید که حق تعالی می فرماید: "مرا و پدر و مادرت را شکر و سپاس گوی". بی درنگ به خدمت مادر شتافت و عرض کرد: "من در دو خانه کدخدایی چون کنم؟ این آیت بر جان من آمده است. یا از خدا خواه تا همه آن تو باشم. یا مرا بخدا بخش تا همه آن او باشم"، مادر گفت: "ترا در کار خدا کردم و حق خود بتو بخشیدم."

«پس بایزید از بسطام رفت و سی سال در شام و عراق می گشت و ریاضت می کشید. یک صد و سیزده و به روایتی یک صد و سه پیر را خدمت کرد و فایده برد که از آن جمله امام ششم شیعیان حضرت امام جعفر صادق (ع) بوده است. روزی حضرت صادق (ع) در حجره اش به بایزید فرمود: "آن کتاب را به من ده" عرض کرد: "کدام کتاب؟" فرمود: "کتابی که بر روی طاقچه است." شیخ گفت: "کدام طاقچه؟" حضرت صادق (ع) فرمود: "حجره من بیش از یک طاقچه ندارد و تو چگونه آن طاقچه را تا کنون ندیدی؟" بایزید عرض کرد: "من اینجا به نظاره نیامدم. مرا با طاقچه و رواق چکار؟" امام صادق (ع) فرمود: "چون چنین است باز بسطام رو که کار تو تمام شد."

بایزید به بسطام رفت و هفت بار او را از بسطام بیرون کردند. زیرا سخنانش در حوصله اهل ظاهر نمی گنجید. شیخ می گفت: "چرا مرا بیرون می کنید؟" هر بار جواب می دادند: "تو مرد بدی هستی." و شیخ می گفت: "خوشا شهری که بدش من باشم." خلاصه مقام او در طریقت به جایی رسید که می گویند ذوالنون مصری مریدی به خدمتش فرستاد و پیغام داد: "همه شب مخسب و به راحت مشغول نباش که قافله رفت." شیخ

رامیل صفروف آذری ۲۷ ساله انجام داده، ثابت شود پس وی به ۱۵ سال زندان محکوم خواهد شد. اگر دادگاه چنین حکمی را صادر نماید و بوداپست نیز درخواست باکو مبنی بر انتقال رامیل صفروف به آذربایجان را رد نماید پس افسر آذری دوره زندانی را در مجارستان سپری خواهد کرد. قتل گورگن مارکاریان در حکم یک قتل فجیع و بی رحمانه ارزیابی شده است زیرا بعد از اینکه چندین ضربه چاقو به گورگن مارکاریان وارد شده، تقریباً سر مرحوم از تنش جدا شده است.

رامیل صفروف هنگام دستگیری مقاومت نشان نداده است. صفروف از منطقه جبرئیل که تحت نظارت نیروهای نظامی طرف ارمنی قرار دارد می باشد. خانواده وی که متشکل از ۶ نفر است در خوابگاه دانشگاه اقتصاد آذربایجان سکونت دارد.

بازجویی ادامه دارد. یکی از نظامیان مجاری که با گورگن مارکاریان در یک اتاق زندگی کرده اند نیز به عنوان شاهد بازجویی خواهد شد. قابل ذکر است که هنگام گذراندن دوره آموزشی هیچگونه درگیری بین گورگن مارکاریان و صفروف مشاهده نشده است.

مقامات پلیس اکنون پیرامون این موضوع که قاتل چگونه و از کجا عاملی که با آن قتل را انجام داده، بدست آورده است را پیگیری می نماید.

شبکه ۲ تلویزیون ۸۲/۱۲/۰۱

### نظر مجمع ارمنی آمریکا نسبت به قتل گورگن مارکاریان

مجمع ارمنی آمریکا قتل گورگن مارکاریان را محکوم نموده و این قتل را به تمایلات رزم جویانه و برخورد ضدارمنی ارتباط داده است.

مدیر اجرایی مجمع ارمنی آمریکا بر این نظر است که این قتل با اصول "مشارکت به پاس صلح ناتو" مغایرت دارد. این عمل نه تنها یک قتل تأسف انگیز بلکه نتیجه برخورد ضدارمنی مقامات آذری می باشد.

شبکه ۲ تلویزیون ۸۲/۱۲/۰۱

### ناتو قتل نظامی ارمنی را محکوم می کند

روز جمعه ناتو قتل وحشیانه نظامی ارمنی از سوی افسر آذربایجانی در مجارستان را محکوم نموده و ابراز امیدواری کرده است که "حادثه ناگوار" بر همکاریهای ارمنستان با ناتو تأثیر نخواهد گذاشت.

روبرت پشچل نماینده ناتو در مکالمه تلفنی با رادیو آزادی اعلام کرد: "این حادثه بطور مشخص جرم جنایی می باشد که ما بی تردید آن را بشدت محکوم می کنیم. مراتب تسلیت خود را به خانواده آن مرحوم اعلام می کنیم. افکار ما در حال حاضر با خانواده ایشان می باشند."

وزارت امور خارجه آذربایجان در رابطه با این حادثه "ابراز تأسف نموده" و به بستگان و همکاران مقتول تسلیت گفته است. ولی بگزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، وزارت امور خارجه آذربایجان در اعلامیه خود می افزاید: "بنابر اطلاعات ما، نظامی ارمنی بطور مستمر حیثیت صرافان را بعنوان افسر و تبعه آذربایجانی خدشه دار نموده است."

وزارت امور خارجه آذربایجان ضمن دعوت ارمنستان به خویشتنداری، افزوده است: "ما نمی توانیم اجازه دهیم که رویدادهای بوداپست موجب تشدید هر چه بیشتر مناسبات پیچیده ارمنستان و آذربایجان شوند."

مقامات ارمنستان معتقدند که اقدام صرافان در چارچوب موضع مردود باکو جهت جلوگیری از مشارکت نظامیان ارمنستان در مانور "بهترین تلاش مشترک" در تابستان سال ۲۰۰۴ در آذربایجان می باشد.

در همین روزها نیز مسئله اعطاء خود مختاری به آرتساخ مطرح شد زیرا راه دیگری برای قانع کردن اهالی آرتساخ به قبول حاکمیت آذربایجان وجود نداشت. ج. و د. گولیفها و دیگر مورخان آذربایجانی اصرار داشتند که ساکنان آرتساخ موافق بودند این سرزمین در قلمرو آذربایجان قرار داشته باشد، و به عنوان مدرک، تصمیم جلسه فوق العاده شوراها در روستای هاغورت واراندا را در تاریخ اول اوت ۱۹۲۱ علم میکنند. برای ما روشن نیست که چه واریانتهی از تصمیم گیری این جلسه به باکو رسیده است اما میدانیم که یک نسخه از صورتجلسه این گردهم آیی در فایل ۴۸۵ آرشیو دولتی جمهوری قراباغ کوهستانی نگاهداری میشود. این کمیسیون در شمار چند مسئله، حق تعیین سرنوشت قراباغ کوهستانی را نیز مورد بررسی قرار داد. لئون میرزویان که در جلسه حضور داشت اعلام میکند که بررسی این امر مناسبت ندارد زیرا قراباغ کوهستانی از هر نقطه نظر به باکو وابسته است. پتروسیان نماینده از طرف کمیسیون اعلام نمود که هیچ کس مایل به حمایت از این نظریه نیست، زیرا تمایل کشاورزان برای اتحاد با ارمنستان شوروی برای همه آشکار است<sup>۱</sup>. این کمیسیون بدون رسیدن به نتیجه مشخص به کار خود پایان میدهد، سایر جلسات برگزار شده در قراباغ کوهستانی و مناطق دیگر نیز به همین ترتیب جریان یافتهاند. کل مآووقع چنین است. اینکه لئون میرزویان چه گزارشی تسلیم باکو کرده مشخص نیست. در سالهای ۲۳-۱۹۲۲، علی حیدر کارایف دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان و لئون میرزویان دبیر دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست و در عین حال دبیر اول کمیته شهری باکو به مناسبتهای مختلف اغلب به قراباغ میرفتند و قول نفت، نمک، پارچه، شکر و مایحتاج دیگر و در اختیار گذاشتن مراتع و دشتها را به اهالی آرتساخ میدادند تنها به این شرط که آنها حاکمیت آذربایجان را بپذیرند. دولت آذربایجان امیدوار بود که با اعطاء خود مختاری به قراباغ کوهستانی درخواست به حق الحاق به ارمنستان را بی درنگ منتفی کند.

دفتر خاطرات سورن گریگوری میرزابگیان اهل پیر جمال آسکران در موزه تاریخ قراباغ کوهستانی نگاهداری میشود. حال ببینیم او درباره ماموریت ع. کارایف و ل. میرزویان به آرتساخ در نوامبر ۱۹۲۲ چه نوشته است. آنها کلیه رؤسا و دبیران شوراهای آرتساخ را به شوشی دعوت میکنند. کارایف با تشریح هدف گردهم آیی، اعلام میکنند که از مرکز مسکو مسئولیت یافتهاند "همراه با مقامات محلی شوروی مسئله اتحاد مناطق و مرزهای مجزا را بر اساس خصوصیات اقتصادی و ملی مورد بررسی قرار دهند." او از اهالی آرتساخ تقاضا میکند ارتباط اقتصادی خود را با باکو حفظ کنند زیرا کلیه راههای مواصلاتی روسیه از یولاغ و باکو میگذرند. قراباغ از باکو نفت دریافت میکند و از امکانات ارتباطی با ارمنستان محروم است و جز اینها.

چنانکه میرزابگیان مینویسد، پس از سخنان کارایف "جو سالن پر آشوب میشود و مخالفتهایی درباره این پیشنهاد صورت میگیرد. قابل توجه بود که شرکت کنندگان با اکثریت آرا موافق اینگونه اتحادی نبودند." سخنرانان از این نظریه دفاع میکردند که باقی ماندن آرتساخ در قلمرو آذربایجان هرگز مطلوب نخواهد بود. لئون میرزویان در سخنان خود این نظریه کهنه شده خود را تکرار میکرد که باقی ماندن آرتساخ در قلمرو آذربایجان از نظر اقتصادی مناسب است. سپس میرزابگیان ادامه

جواب داد: "مرد تمام آن باشد که همه شب خفته بود و بامداد پیش از نزول قافله به منزل فرو آمده باشد." ذوالنون چون این بشنید بگریست و گفت: «مبارکش باشد که احوال ما بدین درجه نرسیده است.» بازید در سال ۲۶۱ هجری به سن ۷۳ سالگی در بسطام درگذشت و همانجا مدفون گردید. شگفتا که قبرش در جایی (بدون صندوق و مقبره) و گنبد و بارگاهش در جایی دیگر است که می گویند سلطان محمد اولجایتو در نبش قبر و انتقال جسدش به زیر گنبدی که ساخته بود تقریباً نظیر همان خوابی را دید که پس از اتمام بنای گنبد چمن سلطانی، حضرت علی بن ابیطالب (ع) را در خواب دیده بود.

بازید بسطامی به سلطان مغول در عالم رؤیا گفت: "من تحت السماً را دوست دارم. حال که خاک قبر حجابی بین من و آسمان شده، تو دیگر گنبد و بارگاه را حجاب دوم قرار مده. اجر تو قبول و طاعتت مقبول باد." نقل کردند که شبی ذوق عبادت در خود ندید، خادم را گفت: "مگر در خانه چیزی مانده است که دل مشغولی دهد؟" خادم خانه را گشت، خوشه ای انگور یافت. بازید گفت: "بیرید به کسی دهید که خانه ما دکان بقالی نیست!" چون خوشه انگور را از خانه بیرون بردند؛ و قتش خوش شد و ذوق عبادت یافت. خلاصه مقام زهد و تقوای بازید بسطامی به جایی رسید که گبری را گفتند: "مسلمان شو." جواب داد: "اگر مسلمانی این است که بازید می کند، من طاعت آن را ندارم و نتوانم کرد. اگر این است که شما می کنید، اصلاً به دین احتیاج ندارم!"

نقل است روزی مریدی از حیا و شرم مسئله ای از وی پرسید. شیخ جواب آن مسئله را چنان مؤثر گفت که درویش آب گشت و روی زمین روان شد. در این موقع درویشی وارد شد و آبی زرد دید. پرسید: "یا شیخ، این چیست؟" گفت: "یکی از در درآمد و سؤالی از حیا کرد. من جواب دادم. طاعت نداشت چنین آب شد از شرم." به قول علامه قزوینی: "گفت این بیچاره فلان کس است که از خجالت آب شده است." این عبارت از آن تاریخ بصورت ضرب المثل درآمد و در مواردی که بحث از شرم و آزریم به میان آید از آن استفاده و به آن استناد می شود.

## نگاهی به جغرافیای تاریخی و تاریخ آرتساخ

(بخش ۱۵)

ا. گرمایک

### رویدادهای آرتساخ (قراباغ) در سالهای ۱۹۲۳-۱۹۱۷

بدین سان جنبش مردمی آرتساخ در سالهای ۲۱-۱۹۲۰ چنین پایانی داشت. ارمنیان آرتساخ از تصمیم فوق الذکر توسط کمیته قفقاز ناراضی بودند و بارها به کمیته مزبور اعتراض کرده خواستار تجدید نظر در این تصمیم و الحاق قراباغ کوهستانی به ارمنستان شدند. نمایندگان از طرف دولت و کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان برای آرام کردن خشم مردم راهی قراباغ کوهستانی شدند. بویژه لئون میرزویان نایب رئیس شورای جمهوری و رئیس شورای اتحادیههای صنفی و علی حیدر کارایف کمیسر جنگ دریایی جمهوری فعال بودند. شخص اخیر با استفاده از مقام و منصب خود در صورت عدم پذیرش اراده آذربایجان تهدید به استفاده از اسلحه میکرد.

۱ - همانجا، ۴۸۵، ۱۴، شماره ۶۹-۶۸.

سیستم سازمانهای دولتی مشخص شده بود. سال بعد، در ژوئیه ۱۹۲۴، قانون اساسی منطقه خود مختار قراباغ کوهستانی در روزنامه "قراباغ شوروی" و دیگر نشریات جمهوری به چاپ رسید که توسط کمیته اجرایی مرکزی آذربایجان تهیه و تصویب شده بود. این یک سند کم ارزش و حقیر بود که همانند آن را مشکل میتوان یافت. در ماده اول آن آمده بود: "قراباغ کوهستانی خود مختار بخشی از جمهوری شوروی آذربایجان را تشکیل میدهد." در اینجا هیچ عینیت حقوقی خود مختاری وجود نداشت. در ماده دیگری نواحی مشمول این منطقه اشاره شده بود. این به اصطلاح قانون اساسی با چشم پوشی و پامال کردن کامل حقوق ارمنیان منطقه بدون توجه به اراده و خواست اهالی آرتساخ به آنان تحمیل شد.

بر اساس اعلامیه خود مختاری قراباغ کوهستانی، کمیسیون مختلطی تشکیل شد که به تصمیم آن دو ناحیه از شوشی، و روستاهای جوانشیر و کاریاگینو با حدود ۴۴۰ هزار هکتار، شهر شوشی و ۲۴۸ منطقه مسکونی در قلمرو این منطقه باقی ماندند.

۲۰ سپتامبر ۱۹۲۳، خانکند (واراراکن بنا شده به دست و اچاگان باره پشت) به استپاناکرت تغییر نام یافت و به صورت مرکز این منطقه در آمد.

امروزه درباره اعطاء خود مختاری به قراباغ کوهستانی داستانهایی میبافند و بانگ سر میدهند که ببینید چگونه حقوق پامال شده ملی و اجتماعی زحمتکشان قراباغ کوهستانی احیا شده است. آنها نخست لفظ ارمنی را از نام منطقه حذف کردند و بخشهای شمالی آرتساخ، اراضی تاریخی گلستان و ناحیه فعلی شاهومیان و بخش بسیار حاصلخیز ناحیه خانلار از آرتساخ بیرون ماند. مرزها را چنان ترسیم کردند که قراباغ کوهستانی از ارمنستان منفک شود و ارتباط ارضی با آن نداشته باشد و همه این کارها به خواست دولت آذربایجان و با اجازه آرمناک قاراگیوزیان و سایرین از جمله رهبران کمیته قفقاز که چشمان خود را بسته بودند و با "دوستی و برادری" و "انترناسیونالیسم" بازی میکردند، صورت گرفت. در همان زمان برخی از رهبران از جمله سورن شادونتس به این نتیجه رسیدند که باقی گذاردن قراباغ کوهستانی در قلمرو آذربایجان بوضوح یک گناه و تقصیر است. امروزه در آذربایجان بانگ بر میآورند که اعلامیه خود مختاری قراباغ را زحمتکشان منطقه با رغبت پذیرفتهاند. در فرماندم تابستان ۱۹۲۳ یک صدا به نفع ماندن در قالب آذربایجان رای دادهاند. واقعیت امر این است که اکثریت جمعیت از تصمیم بی اساس و غیر قانونی قرار گرفتن این منطقه در آذربایجان و معترض بودند. گولیف ها و دیگران اصرار دارند که در منطقه فرماندم صورت گرفته است و ساکنان منطقه نظر مثبت خود را مبنی بر ماندن در قلمرو آذربایجان دادهاند. واقعیت این است که هیچ فرمانمی در منطقه انجام نشده است و تنها کنفرانسهای غیر حزبی تشکیل شدهاند و در آنها راجع به اعلامیه خود مختاری آرتساخ سخن رفته است و این امر را فرماندم فرض کردهاند. اما اینکه سرو مانوتسیان دبیر کمیته منطقه ای حزب قراباغ کوهستانی چه گزارشی به باکو ارسال کرده است، این امر راجع گولیف و د. گولیف و دیگر تحریف کنندگان تاریخ نیک میدانند.

پایان

میدهد که در این زمان در مخالفت با رفیق میرزویان شرکت کنندگان به اعتراض پرداختند. به گواهی او اکثریت شرکت کنندگان با نظرات کارایف و میرزویان مخالفت میکردند و طرفدار پیوستن به ارمنستان شوروی بودند. کارایف و میرزویان سه روز روی "ذهن" شرکت کنندگان کار کردند و از بکارگیری ابزارهای تهدید و ارعاب نیز مضایقه نمودند و پس از آن با اکثریت ناچیز آراء تصمیم میگیرند آرتساخ را به عنوان استان خود مختار در قلمرو آذربایجان باقی گذارند.<sup>۲</sup>

اهالی آرتساخ از این تصمیمگیری به شدت جریحه دار شدند زیرا آنها به روسا و دبیران شوراهای روستایی چنین مجوزی نداده بودند و آنها مجاز به امضاء چنین سندی از طرف ارمنیان آرتساخ نبودند. علی حیدر کارایف و لون میرزویان اعمال خلاف و گناهکارانه خود را بدانجا رساندند که حل و فصل کلیه مسایل مربوط به وحدت اداری آرتساخ را به مدیریت رهبران آذربایجان واگذار کردند. در این هنگام دهستانهای ارمنی قراباغ از یکدیگر منفک بودند و مسائل اقتصادی، ملی و فرهنگی آنها مورد توجه کسی قرار نداشت. جلسه کمیته محلی حزبی شوشی در ۳ ژوئیه ۱۹۲۲ مسئله اتحاد اداری نواحی ارمنی نشین قراباغ را بررسی کرد.

اندیشه برگزاری فرماندم در آرتساخ بتدریج در اذهان تمام زحمتکشان این سرزمین رشد و نمو میکرد. بدیهی بود که لنین از اصل مسلم دمکراتیک برگزاری فرماندم که مقبولیت جهانی داشت دفاع میکرد. به نظر او، حق تعیین سرنوشت "نه به معنی حل مسئله از طریق پارلمان مرکزی بلکه حل آن توسط پارلمان اقلیت جدایی طلب، و فرماندم سیم میباید شد".<sup>۳</sup> با این حال این امر در کمیته قفقاز فراموش شده بود و ما درباره آذربایجان استعمارگر سخن نمیگوئیم.

در زمستان ۲۳-۱۹۲۲ در کمیته قفقاز، حزب کمونیست قفقاز و کمیته حزبی قراباغ بارها مسئله اتحاد اداری نواحی مختلف کوهستانی آرتساخ مورد بررسی قرار گرفت و سر انجام تصمیم گرفته شد یک استان یا منطقه خود مختار ارمنی تشکیل شود بویژه آنکه ۹۴/۴ درصد از ساکنان مناطق کوهستانی قراباغ را ارمنیان تشکیل میدادند.

بر پایه تصمیم ریاست کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۲۲، کمیته امور قراباغ به ریاست آرمناک قاراگیوزیان تشکیل شد که کلیه فرمانهای دریافتی از باکو را بدون چون و چرا اجرا میکرد و فعالانه در امر الحاق آرتساخ به آذربایجان تلاش مینمود.

اعلامیه م.ب. قاسموف نایب رئیس کمیته اجرایی مرکزی آذربایجان که روز ۷ ژوئیه به امضاء وی رسیده بود "درباره تشکیل منطقه خود مختار قراباغ کوهستانی" در روزنامههای جمهوری مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۲۳ انتشار یافت. بنا به مصوبه جدید کمیته اجرایی مرکزی آذربایجان در ۲۴ ژوئیه، کمیته امور قراباغ منحل شد و به جایش کمیته انقلابی موقت منطقه خود مختار قراباغ کوهستانی ایجاد شد (به ریاست آرمناک قاراگیوزیان) و که پس از پایان یافتن اولین کنگره شورای منطقه ۹ نوامبر منحل گردید. در همین ماه، ریاست کمیته اجرایی مرکزی جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان و شورای کمیتههای خلق قانونی به منطقه خود مختار قراباغ کوهستانی تحمیل کردند که در آن وسعت این منطقه و نیز

<sup>۵</sup> - "قراباغ شوروی" ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۴.

<sup>۶</sup> - نگاه کنید به، هراند آبراهامیان: "درباره فرماندم سال ۱۹۲۳ قراباغ کوهستانی"، روزنامه "عصر ایروان" (ارمنی)، ۱ دسامبر ۱۹۸۹.

<sup>۲</sup> - موزه تاریخ دولتی جمهوری قراباغ کوهستانی، ۵۵۶۹، ۳۴، ۲، شماره ۷-۱.

<sup>۳</sup> - مجموعه کامل آثار لنین، جلد ۲۴، ص ۲۷۷-۲۷۶.

<sup>۴</sup> - روزنامه "کمونیست"، ۹ ژوئیه ۱۹۲۳